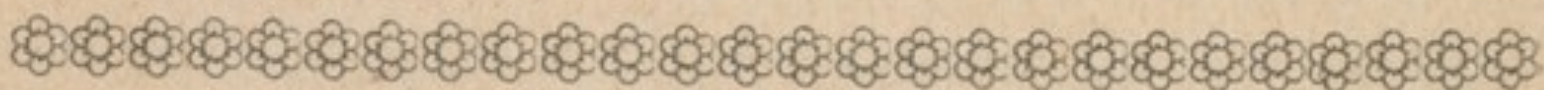


سر سخن

از بازیکه وقایع را تأریخ قید میکند تا امروز، در دیار ماورالنهر و تورکستان چنانکه یک قوم معظم بنام تاجیک یا که تازیك استقامت دارد همچنان زبان و ادبیات ایشان هم رواج یافته آمده است. رواج زبان و ادبیات تاجیک در ماورالنهر و تورکستان، مخصوص بعضی، یا تسلط پادشاهی و امیری نیست. چنانچه ما میبینیم ادبیات تاجیک درین سر زمین در عهد سامانیان که عرقاً فارسی زبان هستند، چه قدر رواج داشته باشد، در زمان اولاد چینگیز، تیمور، شیبانی، استرخانی و مانغیت که عرقاً موغول، تورک و اوزبک هستند، همان قدر رواج یافته هست. پس معلوم میشود که رواج زبان و ادبیات تاجیک درین جاها، محض بسبب تسلط سامانیان، یا که مهاجرت ایرانیان نبوده، سبب حقیقی موجو - دیت یک قوم بزرگ بنام تاجیک که منسوب بعرق آری است، درین جاها است.

در حالت حاضره هم ما می بینیم که در بخارا، سمرقند، استروشن (اوراتیپه)، خجند، فرغانه، قلقر، ماسچاه و عموماً در شرقی بخارا این قوم زندگانی دارند و زبان، عرف، عادت و ادبیات خود را بتمام و کمال نگاه داشته اند.

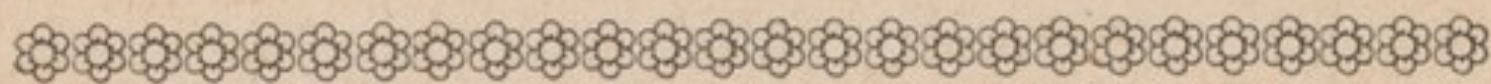


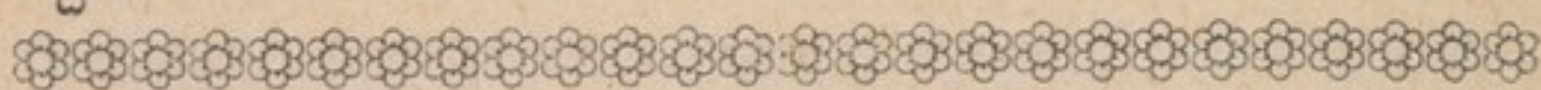


بعد از انقلاب اوکتابر، در تورکستان و بخارا، حکومت های شورایی
از بسکه بنام اوزبک تاسیس یافت روزنامه ها، فرمان ها، دستورالعمل ها،
کتاب های مکتبی و کتاب های سیاسی همه بزبان اوزبه کی نشر شدند،
قوم تاجیک که صاحب مدنیت قدیمه و دارای ادبیات نفیسه بود، از
ادبیات نو انقلابی، از مکتب های شورایی و از گذارش احوال داخلی
و خارجی و از تربیت سیاسی و بالجمله از تمام میوه های انقلاب محروم
ماند. قوم تاجیک، از بسکه از روزنامه های اوزبکی درست استفاده کرده
نمیتوانست، ندانست که حکومت شورایی و فرقه اشتراکیون به
مسئله های ملی چه نظر دارد؟ زبان و ادبیات ملت ها را بچه درجه تقدیر
میکند؟ و عموماً ادبیات را چه مقدار قیمت و اعتبار میدهد؟ ...؟
ادیبان تاجیک که عمری به ادبیات مشغولی داشتند، درین عهد، از رواج
مسلك و پیشه خود بکلی مأیوس شده خود را بگوشه های نا کامی کشیدند
و بزبان حال گویا که مترنم «آن نیل معرفت که تو دیدی خراب
شد» گردیدند.

البته این گمان و عقیده ایشان از بیخبری بود، زیرا اگر از احوال
حاضره آنچه هست خبردار میشدند، میدانستند که: حکومت شورایی
و فرقه اشتراکیون، در باره زبان و ادبیات ملت ها عموماً، و به ادبیات
ملت های مظلومه خصوصاً چه قدرها رواج و قیمت میدهد؟ ...

معلوم است که در ادبیات سیاسی عرب و ایران، ارباب سیف و قلم
همیشه بهم ذکر یافته، اداره دنیا، هر وقت ازین دو صنف چشم داشته



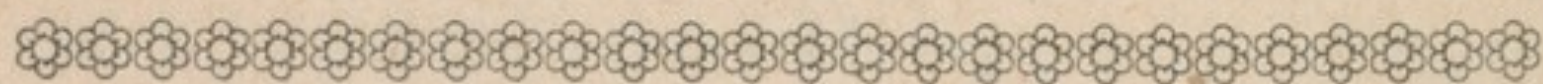


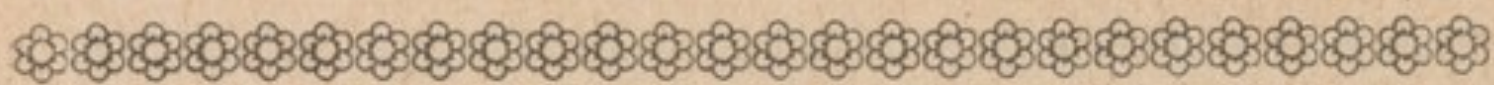
شده است. با وجود این، در عهد پادشاهان - مستبد شرق، بالخاصه در زمان امیر و خانهای آخری بخارا و تورکستان، اهل قلم، چنانکه باید و شاید قدر و اعتبار نیافته اند. هر وقت ادیب و شاعرانیکه پادشاه را مداحی کرده اند و مکتب تملق و ریار را نیکو خوانده اند، بنار و نعمت رسیده اند، اما عامه ادبا و فضلا، در کمال محتاجی و سختی روز گذرانیده اند. حتی بسبب تنقیداتی که بگذارش حالات زمان خود، بطریق صراحت یا که اشارت کرده اند، جزایهای سفت دیده اند، بمصادره و قتل گرفتار آمده اند (درین باره در اصل مثالها خواهد دید) چنانچه امیران آخری بخارا، از صد شاعر و ادیب یکی، بقصبه قاضی یا که بمحله رئیس میگردد. یا بسالی صدقه گویان برفتگن یکجمله و صد تنکه پل از امیر موفق میشد، باینهمه، این التفات دیده گان، از صنف ممتاز ادبا نبوده، اکثری از جمله متملقین هرزه گوی بشمار میرفتند. اما بسیار ترین ادیبان ممتاز محروم و متروک میماندند.

مع ذالك همین قدر معامله امیر و خانها که حقیقتا بچیزی نمی ارزید، جوانان را بسوی ادبیات سوق میکرد.

اما در عهد حکومت شورایی احوال تمام دیگر است: هر ادیب و شاعر، بقدر فضل و کمالش قیمت و اعتبار مییابد.

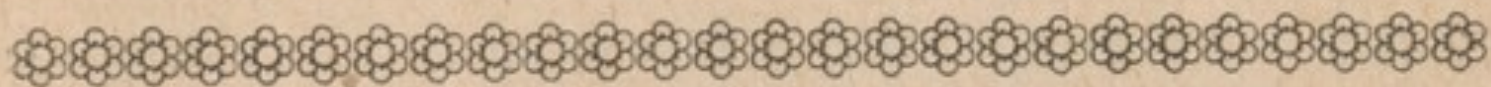
اگر ادیبان تاجیک یا که جوانان طالب ادبیات تاجیک، از احوال خبردار میبودند، میدانستند که در زمان حکومت شورایی هیچ صنف بمشابه صنف ادیب و محرر باسوده گی و فراغبال زندگانی ندارد.

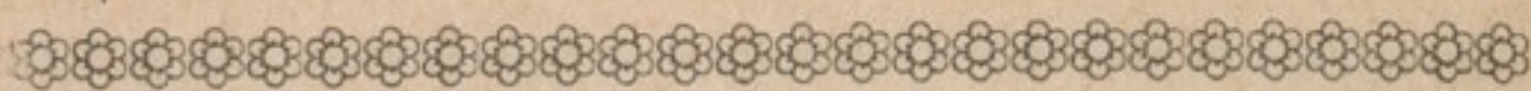




درین عهد، شاعران و محرران با کمال آزادی، از غیر مجبوری
کسی بعالم انسانیت یا که بقوم و ملت خود خدمت میکنند. مزد را باید و
شاید از حکومت میستانند. علاوه براین، از بندگی و مداحی کردن
بيك شخص مستبد که این شیوه عار و ننگ انسانیت است فارغ و آزاد
هستند.

بعد از تأسیس و برپا شدن حکومت های ملی در آسیای میانه،
حکومت جمهوریت مختار تاجیکستان که یکی از میوه های تدبیر ملی
است برپا شد. حکومت جوان تاجیکستان، در اول وهله، نقطه های
در بالا شرح یافته را بنظر گرفته خواست که مجموعه بنام نمونه
ادبیات تاجیک، نشر کند، درین مجموعه، نه تنها اثر ادیبان معاصر یا که
شعرهای انقلابی شاعران حاضر را، بلکه پارچهای ادبی شاعران
و محرران تاجیک را که از زمان قدیم تا حال در تورکستان و ماورالنهر
رسیده اند درج کناند. بدین واسطه نام گذشته گان را زنده و جوانان را
به ادبیات تشویق نماید. به ارباب ادبیات تاجیک خاطر نشان کند که
«بازار ادبیات، امروز، بیشتر از پیشتر گرم است. اگر متاعی دارید
بیارید و اگر دماغی دارید کار کنید! اینک گوی، اینک میدان!»
حکومت تاجیکستان وظیفه خود را ادا کرد. اکنون بینیم تا کمیت
قلم کدام شیر مرد دونده است و دست و پنجه کدام قهرمان نازک
خیال، صفحه آرا است؟ عاشق بسیار است، وقت است که شاهدان ادبی
بمجلس، بی پرده عرض جمال نمایند....



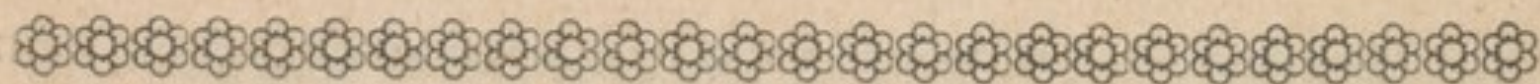


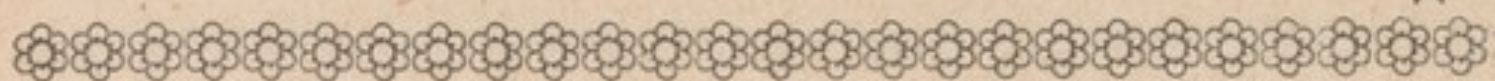
یکدو سخن در باره ترتیب کتاب.

چون حکومت مختار تاجیکستان، جمع و ترتیب «نمونه ادبیات تاجیک» را، بکمین حواله نمود، با وجود عدم اقتدار، بنا بر کمال عشقم به ادبیات این خدمت مقدس را قبول نمودم. در باره وضع این مجموعه، ترتیب ذیل را در اندیشه گرفتم: از عهد استاد ابوالحسن رودکی تا حال از آثار ادیبان مشهور که در ماوراءالنهر و تورگستان رسیده اند، یا اینکه به این سر زمین مناسبتی بهم رسانده اند، بقدر وسع تتبع جامع و کنجایش حجم کتاب، نمونه های منظوم و منثور جمع کرده میشود.

به اثرهای متأخرین، نسبت به پیشینیان، بسیار ترجایده میشود. زیرا، اثرهای متقدمین، در دیوانها، تذکرهها، در کتابهای ادبیات فارسی و در نمونه ادبیات ایران مشروحا ثبت و قید یافته اند. اما اثرهای عهد آخری در بیاض ها و تذکرهها جمع کرده شده باشند هم، بنا بر چاپ نشدن، در میانه عامه اهالی شایع نیستند. در قسم نمونه های آثار معاصرین، باب علی حده برای ادبیات جدید و انقلابی تخصیص کرده میشود. بدین واسطه جوانان مستعد را به ادبیات نو انقلابی تشویق کرده میشود.

تاریخ حیات، تولد و وفات هر ادیبی را که اثرش بمجموعه درج میشود، بقدریکه جامع دست مییابد، مجملا قید کرده میشود. در باره





آنانیکه ترجمه حالشان بدست ندرآمده است بمعلومات تقریبی و تخمینی اکتفا نموده میاید.

بهر حال باهمه نقصان، و کمی تتبع جامع، این مجموعه درین باب مقدمه واری خدمت خواهد کرد. اما تدوین و تکمیل این موضوع چنانکه باید و شاید، خدمت جوانان مستعد فعال را منتظر است.

۱۵ مارت سال ۱۹۲۵ میلادی سمرقند.

صدرالدین عینی.

تنبیه:

برای آسان شدن مطاعه، در کتابت، از قبیل فاصله، نقطه، معترضه و امثالش اشارتهایی را که بر سم خط حالیه است، استعمال کرده شد.

